

درخت هستی

(شجرة الكون)

تأليف

محيي الدين ابن عربي

ترجمه و توضيح

دکتر گل بابا سعیدی



انتشارات زوار

سرشناسه	سمیدی، گل‌بابا، ۱۳۲۰ - مترجم و شارح.
عنوان قراردادی	: شجرة الكون، شرح.
عنوان و پدیدآور	: درخت هستی / تألیف محیی‌الدین ابن عربی؛ [ترجمه و توضیح] گل‌بابا سمیدی.
مشخصات نشر	: تهران: زوآر، ۱۳۸۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۸۷ ص.
شابک	: 4 - 270 - 401 - 964
یادداشت کلی	: فارسی - عربی
یادداشت	: کتاب حاضر در سالهای مختلف، توسط تأثیرین متفاوت منتشر شده است.
موضوع	: ابن عربی، محمد بن علی، ۵۶۰-۶۳۸ ق. شجرة الكون - نقد و تفسیر.
موضوع	: هستی‌شناسی (فلسفه اسلامی).
موضوع	: عرفان - متون قدیمی تا قرن ۱۴.
شناسه افزوده	: ابن عربی، محمد بن علی، ۵۶۰-۶۳۸ ق. شجرة الكون. شرح.
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۵ ۲۰۲۲۲ ش ۴۵ س / BP۲۸۳
رده بندی دیویی	: ۲۹۷ / ۸۳



انتشارات زوآر

- درخت هستی (شجرة الكون)
- تألیف / محیی‌الدین ابن عربی
- ترجمه و توضیح / دکتر گل‌بابا سمیدی
- نوبت چاپ / اول (تابستان ۱۳۸۶)
- حروفچین / فرحناز رمزی
- چاپ / مؤسسه فرهنگی نشاط
- شمارگان / ۱۰۰۰ نسخه
- قیمت / ۳۰۰۰ تومان
- شابک / ۴ - ۲۷۰ - ۴۰۱ - ۹۶۴

□ کلیه حقوق طبع و نشر محفوظ و مخصوص ناشر است

- تهران؛ خیابان انقلاب؛ خیابان دوازدهم فروردین؛ نبش شهیدنظری؛ پلاک ۳۳
- تلفن: ۰۳ ۲۵ ۴۶ ۶۶ - ۲۳ ۳۴ ۴۸ ۶۶ - نمابر: ۲۴ ۳۴ ۴۸ ۶۶

فهرست مطالب

پیش‌گفتار.....	۵
مقدمه.....	۷
مفهوم وجود و اقوال وارده بر آن.....	۱۹
متن شجرة الكون.....	۴۵

بیش گفتار

مقدمه سوم - بار دیگر هستی با همه سطوت و جلالت خود با نمایی بس فراتر از آفرینش در نظرم جلوه کرد و نوای موزون هستی که از زبان عاشقی شیفته و مجذوب حق چون ابن عربی که از عشق و وحدت سخن می‌گوید، بگوش هوشم طنین افکند - عاشقی که از هستی حق، یاد می‌کند و همه آفریدگان را مظاهر و مجالی وی دانسته و هستی را تحت عنوان شجرة الکون «درخت هستی» در قالب الفاضی چون دانه کن، روئیده شدن برگ‌ها و شاخه‌ها و پوسته‌های ظاهری و باطنی و.... بگونه‌ای بیان می‌کند که باید همه در سایه درخت هستی بزنند. آری آفرینشی مهم و نمایی بس پیچیده و درهم چه هستی از اطلاق خود بدر آمده و بگونه‌ی هستی مقید و پیچیده‌ای بنام موجود، جلوه می‌کند. موجودی که از هر چه جز هستی مطلق سخن می‌گوید و هیچگاه نمی‌تواند از مراحل متنوع هستی درآمده و خارج از هرگونه تغییر و تبدیلی بزند. آری، انسانی ناشناخته در سیاره‌ای لرزان بنام زمین بحرکت خود ادامه داده بگونه‌ای که هر دو در حرکت بی‌وقفه‌شان به مقصودی ناشناخته می‌شتابند و هریک در مسیری که تقدیر بر آن رفته است، فراخور طبیعت خود گام برمی‌دارند. چه رازی است ناشناخته که آنان را باین امر کشانده و سازی است ناآشنا که با آهنگ‌های متضاد و متنوع ناشناخته و جانکاه، افراد انسانی را به خود جلب می‌کند و هریک از آفریدگان با ایفای نقشی بحیات خویش ادامه می‌دهند. آنچه در این مجموعه ذکر شده نمایی از این تضادها است که ابن عربی آن را با

عباراتی رسایان کرده است. آری چاپ دوم این کتاب با استقبال عاشقان مکتب عرفانی ابن عربی با تمام رسید و در دو مقدمه اول و دوم به تفصیل به محتوای کتاب اشاره شده است. از این رو بهمین مختصر بسنده کرده و در عین حال مخفی نماند که در چاپ سوم تجدید نظر کلی بعمل آمد، و با حروف چینی مجدد و اصطلاحات کلی اقدام به چاپ شده است. البته نگرشی عمیق و دقتی کامل می‌طلبد که نکات دقیق عرفانی ابن عربی را که مشحون از رمز و راز است دریافته و به محتوای این کتاب که به عنوان درخت هستی ارائه شده، واقف گردد.

دکتر گل‌بابا سعیدی

مقدمه

سپاس و ستایش بی حد و قیاس مر خدای را سزد، که با قدرت واسعه خود هستی بخشید. با حکمت شامله، آن را به صورتی منظم و نیکو در آورد. آفریننده‌ای که آئینه عالم آرای جهان را با صفا و جلای آدم متجلی ساخت، تا جمال خود را در آن مشاهده کند. و پرچم خورشید دانش را بر سراسر جهان آفرینش برافراشت، تا همه آفریدگان در تحت توجهات و عنایات بیدریغش، به حیات خویش ادامه دهند. نقاب عزت و جلالت را از روی دلارای شاهد احدیت ذات، بادیست آرایشگر تعینات بگشاد تا از نور ظهورش، مظاهر هستی به حیات تبعی و ظلی خود ادامه دهند؛ بدانگونه که بی نور وجودش کسی به مناهج کمال ره نخواهد برد و بدون هدایتش هیچگاه به اسرار طبیعت و حقایق عالم واقف نخواهد گشت. علو مرتبت و جلالت و عظمت وی به غایتی است که عقول و افهام، از درک آن عاجز، و پندارها و اوهام را در آستانه جلالش، راهی نه.

هیچ کس را در حریمش راه نیست

هیچ عقل از کنه او آگاه نیست

جان و دل سرگشته درگاه او

عقل را سر رشته گم در راه او

آری، ایزد داداری که ذات احدیتش با افاضه هستی، نعمات بیدریغش

را به ما ارزانی داشت و با آفرینش انسان به عنوان نمونه آفرینش و جهان کوچک، بر وی مِت نهاد و بهترین بنده اش محمد(ص) را به پیامبری فرستاد و سپاسش را از زبان او به ما آموخت و بدینگونه ما را به فضل و کرمش، امیدوار ساخت. از او می خواهیم ما را در سایه پرمهر و محبت خود از همه غفلت ها و نابخردی ها و وسوس شیطانی، حفظ فرموده و راه سعادت و خوشبختی را به ما باز نماید.

همانگونه که مولا علی(ع) فرماید: «لایدرک کنهه ولکن یدرک بآثاره و صفاته» ادراک کنه ذات حق (سبحانه) مر غیر او را نشاید. چه در مقام اطلاق و تجرّد از اسماء و صفات و تقینات، در حجاب عزّت محتجب و باردای کبریائی پنهان، و بالجمله جز حق همه محاط وجود و علم اویند و هیچگاه محدود به حدّی، محیط نتواند شد و از بی حد، نشان نتواند یافت.

پیش بیهود هر چه محدود است لاست

کسل شی غیر وجه الله فناست

هسر چه اندیشی پذیرای فناست

آنچه در اندیشه ناید آن خداست

آن مگو، چون در اشاره نایدت

دم مزن، چون در عبارت نایدت

نه اشاره می پذیرد نه بیان

نه کسی زو علم دارد نه نشان

رباعی

بالا تر از آنچه روح جوید

خرسندی طبع دان نه توحید

او برتر از آنکه عقل گوید

حرفی که رود ز راه تقلید